

چند کلمه درباره ازدواج دائم

سلام برادرم
 بنده کوچک‌تر از آنم که بتوانم حرف درخور و شایسته‌ای بر زبان آورم
 چیزی که راه زندگی شما را ترسیم کند
 قطعاً چنین توان و منزلتی ندارم
 و بر این حقیقت در همین ابتدای کلام اقرار می‌نمایم
 نه بهره‌ای از علم غیب الهی دارم
 که بتوانم پشت پرده عوالم وجود را ببینم
 و درباره درستی یا نادرستی
 یا حق و باطل بودن رفتار دیگران نظر دهم
 مانند آنچه مردان حق عمل می‌کنند
 و سالکان و رهروان را یاری می‌رسانند
 و نه دانشی دانشگاهی
 روانشناسی و جامعه‌شناسی
 که قدرت قضاوت و پیشنهاد درباره موضوع مذکور را بدهد
 توانی که در مشاورین خانواده جمع شده است معمولاً

اما؛

از آن رو که خود «در چاه افتاده» ام
 و درد آن را حس می‌کنم
 و جای این چاه را یاد گرفته
 نقطه سقوط آن را
 شیب پرتگاه آن را
 دقیقاً جایی که معمولاً در آن می‌افتند را تجربه کرده‌ام
 با تمام وجود حس
 و با تمام روح و جسم رنجش را چشیده‌ام
 از این منظر با شما سخن می‌گویم
 باشد که شاید
 شاید از باب عنایات حق تعالی
 و لطف او
 چیزی در این کلام ضعیف جاری شود
 که یاری نماید و کار گشاید

ازدواج موقت خیلی خوب است
 ارتباط میان دو آدم است

دو آدم از نظر روحی و جسمی مرتبط می‌شوند
و البته گاهی می‌توانند
و گاهی هم نمی‌توانند با روحیات هم بسازند
سازش در میان این دو کاملاً تابع خلق و خوی طرفین است
دو طرفی
که عقد میان‌شان جاری شده است
این مقدمه اول

و مقدمه دوم
جلوی ضرر بزرگ را می‌شود با ضرر کوچک گرفت؟
بله می‌شود
جایی خوانده بودم روایتی قدیم‌ها
ابوحنیفه ظاهراً بود که از حضرت امام صادق (ع) سؤالی می‌پرسد
در چیستی عقل
حضرت سؤال را به خود وی باز می‌گردانند انگار
او می‌گوید: ابزار تشخیص خیر از شر
حضرت می‌فرماید: این را که بهائم نیز می‌توانند
تمام حیوانات
غذای‌شان دهی با تو راه می‌آیند
بزنی‌شان بر تو یورش آورند
تشخیص خیر از شر که در حدّ فهم و شعور تمام جانداران است!
فرق انسان چیست که عاقل است؟
گویا ابوحنیفه در گِل می‌ماند
و حضرت در پاسخ می‌فرماید:
عقل آن است که میان دو خیر، بهتر را تشخیص دهد
و میان دو شر، آن‌که شرّ کمتر دارد

ورود به بحث
ازدواج دائم با موقت فرق دارد
اصلاً ماهوی فرق دارد
خیلی فرق دارد اصلاً
یعنی تو بگو از زمین تا آسمان
تا آسمان؟

نه بابا، برو بالاتر
ماهیت که می‌دانید چیست؟!
اختلاف ماهوی دارند اساسی
انگار این جوهر باشد و آن عرض
این ممکن باشد و آن واجب
یک فرقی‌هایی که به نظر نمی‌رسد در بادئ امر



و حیف
صد حیف
و هزاران
که این چیزها را به ما نگفتند
و ما این چیزها را نمی دانستیم
این تفاوت عجیب را

اما فرق؛
هر چقدر ازدواج موقت میان دو فرد است
طرفین عقد موقت
ازدواج دائم میان دو خانواده است
اصلاً میان دو خاندان
دو جامعه انگار با هم پیوند می خورند
اتصال شگرف میان دو فرهنگ
دو پاره از اجتماعی که در آن زندگی می کنیم
عجیب است این مسأله
ازدواج دائم، دو قبیله را پیوند می زند

یادتان هست
در تاریخ هم اگر نخوانده باشیم
در این فیلم های تاریخی زیاد دیده ایم
جنگ دو قبیله چطور پایان می یافت؟
آن یکی دختر می داد به این یکی
فرانسه بود که قرار بود با انگلیس وحدت ایجاد کند
شاهزاده ای آمد که با الیزابت ازدواج نماید
همان شاهدختی که بعدها نخستین زن شاه انگلیس شد
مثلاً ملکه
البته آن ازدواج سر نگرفت
الیزابت آنقدر کک و مک در صورت داشت
به رسم سایر دختران سفیدروی بریتانیایی...

آری برادرم
ازدواج دائم چنین شأنی دارد
من امروز که این سطور را می نویسم زن ندارم
شاید خیلی احمقانه به نظر می رسد
گاهی که جایی می پرسند: عیال؟
و در پاسخ می گویم:
سه بچه دارم، ولی زن نه!
احتمالاً کلی پشت سرم می خندند



و شاید به حالم گریه کنند
نمی‌دانم
من مکلف به پیش‌رویم نه پشت سر
آن را خدا بر عهده دارد

ازدواج دائم، فی‌مابین دو خانواده است
اگر خانواده‌ای داری که محتاطند
خلق و خوی ویژه دارند
یا باید به اخلاق‌شان تن دهی
و زنی که با اخلاق‌شان بسازد
یا اگر از خلق و خوی‌شان در رنجی
و زنی با چنین ویژگی‌ها نمی‌خواهی
دو راه بیشتر پیش رویت نیست؛
ازدواج کنی با آن‌که می‌پسندی
یک عمر

می‌گویم یک عمر یعنی «یک عمر»
شکاف میان دو خاندان را بپذیری
شکاف که چه عرض کنم
دو گسل در کنار هم
همان‌که در علم زمین‌شناسی می‌گویند
از فشارشان به هم
و در رفتن دندان‌های تحت فشار
همان زلزله معروف رخ می‌نماید
و چه بسا گاهی آتشفشان
و تو کجایی؟
تو دقیقاً در همان محل اتصال دو گسل
جایی که از دو طرف فشرده می‌شوی
با دندان‌های سخت و محکم و شاید هم مذاب
این انتخاب اول
تا دنیا دنیا است و تا دو خانواده پابر جا هستند
تو یک وصله ناجوری
که دو طیف متضاد را با هم جمع کرده‌ای
در حاشیه دو گسل

اما انتخاب دوم، رنج درونی‌ست و سازش
به وسط گسل بیایی
در محیطی امن و آسوده چادر بزنی
پیرامون تو سراسر سکوت باشد
و هر درگیری که رخ نمود



دو خانواده با هم حل نمایند
زیرا تو بر خواسته‌هایت پای نه‌شده‌ای
و بر یک خُلق و خو باقی ماندی
همان خُلقی که یک عمر تحمل کردی
اگر چه دوست نداشتی
اما به این تحمل «عادت» داری!

چنین گسلی اگر چه ممکن است در جاهایی داغ باشد
ولی پاهای تو
به تمام داغی آن عادت دارند
و نقاط کمتر گرم را می‌شناسند
اگر زن تو چون مادرت باشد
یا چون سایر زنان خویش و قومت
در فرهنگ و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی
درست است که نمی‌پسندی
ولی بلدی چطور از چاله‌هایش بپری
تا گرفتار چاهش نشوی
و شکافی بین دو خانواده‌ها نخواهد بود
که تو
بله تو
مجبور باشی آن را پر کنی
با تمام گوشت و پوست و استخوان خود!

خداوند انسان را مختار آفریده است
و به او عقل عطا کرده
که بین بد و بدتر برگزیند
این دنیا خوب ندارد
خوب‌ها را برای آخرت سوا کرده‌اند
عین همین میوه‌هایی که خوشمزه‌هایش را صادر می‌کنند!

اگر دختری دیدی که به این سادگی پشت پدر و مادرش پناه گرفت
یاد بگیر که پشت پدر و مادرت پناه بگیری
اگر او نمی‌تواند رنج چشم‌های تیز و درنده و شماتتگر خانواده‌اش را تحمل کند
تو نیز نکن

تو چرا باید این رنج را بکشی؟
این منطق تعامل و ارتباط اجتماعی‌ست
که یک قدم پیش
و انتظار یک قدم از طرف مقابل
اگر چه می‌دانم شما مرد هستی



و مردان بر عهد خود استوارند معمولاً
و نمی‌پذیرند که رنجی بر زوجه‌شان نشیند
و همه را چون کوه بر پشت می‌کشند
که بودم
و کشیدم
و صد البته پشیمان نیستم و خدای را نیز شاکرم به این منت
اما

قاعده تعامل و ارتباط «پایدار» این است
شما یک قدم کوتاه بیایی
طرف مقابل هم بیاید
اگر پدر و مادران را قانع کنید که یک قدم از خواسته‌هایشان پایین بیایند
و زوجه نیز خانواده خود را قانع نماید
بر این تعامل می‌توان امید بست

اما اگر نشد
خداوند اختیار شما را سلب نکرده است
و اختیار دیگران را نیز به شما نسپرده است
پدر و مادر شما مختارند
شما هم مختار
البته تکلیف فوق طاقت هم ندارد
می‌توانید همه چیز را به گردن خانواده ببندازید و رها کنید
آن پدری که این قدر سخن‌ور است که می‌تواند به «تعهد محضری تبدیل ۱۱۴ به ۱۴ عنداللزوم» تمسک کند
بلد است دختر عقدبسته خود را شوهر بدهد
نگران نباشید

اما اگر قرص قرمز را بردارید
کاری که نئو در ماتریکس یک کرد
افتخار بزرگی برای شماست
این‌که آماده هستید برای سال‌های سال
فشار دو گسل را تحمل کنید
تبریک دارد این انتخاب
و شایسته کف زدن حضار و نظار
اما آماده باشید

برای یک زندگی راحت در زیر یک چتر آرامش‌بخش، کلاهی ندوزید
حتی فرزندان شما نیز از طعنه‌های دو خانواده
و رنجش‌های آتی
آسوده و مصون نخواهند بود

موفق باشید